

کنفرانس بین‌المللی صلح و جامعه دموکراتیک

پیام به: «کنفرانس بین‌المللی صلح و جامعه دموکراتیک»: «سوسیالیسم هنوز ممکن است»

«باید به تاریخ ستمدیدگان با رهنمود کمون به عنوان یک ساختار دفاع ذاتی، پیش از طبقه نگاه کرد. برای این کار، نیاز به یک رهنمود تاریخی است که قبایل بدوی را به عنوان آغاز کمون ببیند و تا طبقه‌ای که امروزه پرولتاریا نامیده می‌شود یا تمام ستمدیدگان امتداد یابد.»

کنفرانس بین‌المللی «صلح و جامعه دموکراتیک» از روز ششم دسامبر (جاری) تا امروز، یکشنبه هفتم دسامبر، به مدت دو روز در استانبول در حال برگزاری است. این کنفرانس در شرایطی کم‌سابقه از نظر تنش‌های سیاسی، جنگ، و انسدادهای ساختاری در خاورمیانه برگزار می‌شود و مجموعه‌ای از فعالان سیاسی، نمایندگان احزاب، پژوهشگران و شخصیت‌های اجتماعی از کشورهای مختلف در آن حضور دارند.

با نگرشی مستقل، این کنفرانس از نظر گستره‌ی مشارکت، سطح گفت‌وگوهای نظری، و پیوند میان مسئله‌ی صلح، جامعه‌ی دموکراتیک و بیان سوسیالیسم-از هر دیدگاه- رویدادی قابل توجه، قابل ارزیابی و ملاحظه در فضای سیاسی کنونی منطقه به شمار می‌آید.

پس از سخنرانی‌های گشایش و قرائت پیام‌ها، نخستین نشست کنفرانس با اجرای چنگیز چاندار، نماینده پارلمان حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها (دم پارتی) از آمد (دیاربکر)، آغاز شد. در این نشست، اوزگور فایق ارول، وکیل و عضو هیئت امرالی دم پارتی، سخنرانی خود را با عنوان «نقش عبدالله اوجالان و حق امید در حل مسئله کُرد و ایجاد صلح اجتماعی» ارائه داد.

عظیمه کلیچ

یکی از سخنرانان عظیمه کلیچ که سال‌ها در زندان بود و به دلیل عدم وجود ادله آزاد شد، با اشاره به نظام انزوای تحمیلی در ترکیه و روند صلح و جامعه دموکراتیک، گفت: «من بی‌گناه در زندان بودم. فکر می‌کنم به دلیل روند آزاد شدم. در حال حاضر بیش از سه هزار عضو پ‌ک‌ک در زندان‌ها هستند. اگر درباره تحول صحبت می‌کنیم، باید معیار عدالت پذیرفته شود.»

۹۰ درصد کوردها در زندان هستند

عظیمه کلیچ ضمن اشاره به افزایش فشارها در ۱۰ سال اخیر، گفت که زندانی‌های نوع شهر «مانند نوعی لطف» نشان داده می‌شوند. کلیچ گفت که انزوای تحمیلی ابتدا از امرالی آغاز شد ... به طور کلی در زندان‌ها شکنجه اعمال می‌شود. طی ۱۰ سال اخیر انزوای تحمیلی وجود داشته است. پیشتر در بندهای عمومی نگه داشته می‌شدیم و آنجا فعالیت می‌کردیم. انزوای تحمیلی ابتدا از امرالی آغاز شد. جناب اوجالان در امرالی زندانی شد و این زندان به صورت ویژه برای وی ساخته شده است. درباره آن هیچ پرسشی نشد زیرا فکر می‌کردند که رهبر تروریست‌ها آنجا زندانی است. پس از آن، این مسئله به رویه اصلی مبدل شد. انزوای تحمیلی که پیشتر علیه کوردها اعمال می‌شد، به همه تسری یافت. وضعیت زندان‌ها در میان جامعه گسترش یافت. زندان‌ها، آینه حکومت فعلی هستند. ۹۰ درصد کوردها در زندان قرار دارند. اکثر زندانیان عادی و سیاسی کورد هستند. شاید کوردها در اردوگاه‌ها نباشند اما تعداد زیادی از کوردها در زندان به سر می‌برند.»

«سلول انفرادی یک شکنجه بسیار جدی است»

عظیمه کلیچ در بخش دیگری از سخنان خود گفت که گذار از بندهای پرجمعیت به نظام سلول انفرادی، تبعات شدیدی در پی داشته است و اظهار داشت: «زندانی کردن یک انسان در سلول انفرادی، نوعی شکنجه بسیار جدی است. در حیات زندان‌های فوق امنیتی، فنس‌های الکتریکی وجود دارد که حتی پرنده‌ها هم می‌میرند.»

«زنان زندانی با ستم مضاعف مواجه هستند»

...وی با اشاره به پرسش‌هایی مبنی بر اظهار پشیمانی در هیئت‌های اداره و نظارت زندان‌ها، گفت: «رفقای هستند که ۳۴ تا ۳۵ سال است در زندان هستند. خانواده‌های آنان نیز به شکل اسیر زندگی می‌کنند.»

کلیچ درباره وضعیت وخیم زنان زندانی نیز گفت: «زنان زندانی با ستم مضاعف مواجه هستند. فکر می‌کنیم که وضعیت زنان در زندان‌ها، تجربه مهمی است که باید مورد واکاوی قرار گیرد.»

عظیمه کلیچ گفت که باید زندان‌هایی که زندانیان در آن در انزوای تحمیلی نگه داشته می‌شوند، تعطیل شوند و اینگونه به سخنان خود پایان داد: «از سوی دیگر، سیاست فشار مداوم علیه کوردها وجود دارد. این سیاست باید پایان یابد.»

پروفسور لوئیس لمکو از دانشگاه خودمختار بارسلونا

در ادامه، پروفسور بازنشسته لوئیس لمکو از دانشگاه خودمختار بارسلونا با موضوع «در باب اجتماعی‌سازی صلح» سخن راند. پروفسور لمکو گفت: «ما تحت سلطه رانت، استثمار و هژمونی هستیم. اینها چیزهایی نیستند که صلح را ممکن سازند. اما کسانی که خواهان برابری هستند، بیشتر مبارزه خواهند کرد. این چیز نامناسبی نیست. مایلیم به سخنرانی‌های بعدی نیز گوش دهم، چرا که تجربیات را خواهیم شنید. اکنون نگرانی‌هایی در مورد صلح در ذهن ما بود. من دوهزار و پانصد سال به گذشته برمی‌گردم و به ریشه‌های صلح نگاه می‌کنیم. می‌خواهم در مورد تأثیر لیزستراتا صحبت کنم، که جنگی میان اسپارت و آتن در جریان بود. این نمایشنامه مربوط به آن دوران است. در آن چارچوب اجرای تأثیر، درباره جایی که زنان در آن نگهداری می‌شدند صحبت می‌شود. مردان مرتجع حضور داشتند. اما می‌دانیم که در جایی که زنان حضور ندارند، نمی‌توان از صلح سخن گفت. تابلوی گرنیکا (Guernica) در اینجا روبروی شماست. گرنیکا بمباران شده بود. جمعیت غیرنظامی در آنجا هدف قرار گرفتند که این نقض آشکار حقوق است. هزاران نفر قتل‌عام شدند. این نیز یک اثر هنری علیه وحشت جنگ است. تابلوی رقص (La Ronde) پیکاسو هم وجود دارد که در آن مردمی را دست در دست یکدیگر می‌بینید. این نشان‌دهنده صلح است...»

پروفسور جهانگیر اسلام نیز ارزیابی‌های خود را با عنوان «همزیستی، اما چگونه؟» پیش روی نهاد.

دانشیار دانشگاه، دکتر آرزو یلماز، با ارائه دیدگاه خویش زیر عنوان «تأثیرات منطقه‌ای و جهانی صلح اجتماعی و راهحل دائم در ترکیه»، به بررسی ابعاد سیاسی، اجتماعی و ژئوپلیتیکی صلح پرداخت. در این نشست، اولکساندرا ویاجسلاویونا ماتویچوک، برنده جایزه نوبل صلح، نیز با ارسال پیام ویدیویی، حمایت خود را از روند گفت‌وگو برای صلح و جامعه دموکراتیک اعلام کرد.

در جریان این کنفرانس، عبدالله اوجالان، رهبر زندانی جنبش، از جزیره‌ی امرالی پیامی مفصل، رو به جهانیان و شرکت‌کنندگان فرستاد که در آن به موضوعاتی چون صلح، جامعه‌ی دموکراتیکِ مورد نظر خویش، نقد سوسیالیسم دولت‌محور، مسئله‌ی زن، سرمایه‌داری جهانی، امپریالیسم و آینده‌ی مبارزات اجتماعی پرداخته می‌شود.

متن کامل این پیام در ادامه آمده است:

پیام عبدالله اوجالان به «کنفرانس صلح و جامعه دموکراتیک»

رهبر آپو که پیامی به «کنفرانس بین‌المللی صلح و جامعه دموکراتیک» ارسال کرده بود، گفت: «امروز زمان حرکت به سوی رهایی دموکراتیک بر مبنای سوسیالیسم جامعه دموکراتیک است.»



• شنبه، ۶ دسامبر ۲۰۲۵، ۰۹:۵۵

پیام به: «کنفرانس بین‌المللی صلح و جامعه دموکراتیک»

«باید به تاریخ ستم‌دیدگان با رهنمود کمون به عنوان یک ساختار دفاع ذاتی، پیش از طبقه نگاه کرد. برای این کار، نیاز به یک رهنمود تاریخی است که قبایل بدوی را به عنوان آغاز کمون ببیند و تا طبقه‌ای که امروزه پرولتاریا نامیده می‌شود یا تمام ستم‌دیدگان امتداد یابد.»

«اندیشمندان ارجمند، رفقای گرامی، نمایندگان محترم و تمام انسان‌هایی که باور دارند سوسیالیسم هنوز ممکن است؛

از جزیره امرالی، تحت شرایط انزوایی که ۲۶ سال آن کامل شده، در برهه‌ای که مذاکرات مجدد با دولت برای جستجوی صلح و جامعه دموکراتیک بر سر مسئله کورد در ترکیه آغاز شده است، شما را مخاطب قرار می‌دهم. صحبت کردن با شما در اینجا و امروز، در کنفرانس بین‌المللی صلح و جامعه دموکراتیک در مسیر بازسازی سوسیالیسم، ارزشمند و معنادار است.

ما به عنوان کوردها، با ۵۲ سال مبارزه حزب کارگران کوردستان (پکک)، نبرد هستی و شرف را به پایان رساندیم و اکنون وارد دوره‌ای شده‌ایم که جمهوری دموکراتیک و جامعه دموکراتیک بازسازی خواهد شد. پکک با تضمین موجودیت ملی خلق کورد، مأموریت تاریخی خود را تکمیل کرده و همزمان بن‌بست سوسیالیسم دولت-ملت را نیز آشکار ساخته است. سوسیالیسم قرن بیستم به عنوان یک اقدام انقلابی سلبی (نفی‌کننده) ظهور کرد، اما نتوانست جایگزین جدیدی

برای آن قرار دهد. وقتی به دهه ۱۹۹۰ رسیدیم، در دوره‌ای که اکثر افشار از سوسیالیسم فرار می‌کردند، با گفتن 'اصرار بر سوسیالیسم، اصرار بر انسان بودن است'، تمام زندگی‌ام را وقف بازسازی این امید کردم. مبارزه‌ای که با وجود هزینه‌های سنگین پیش رفت، امروز به میراثی آمیخته با نقدهای نظری و عملی تبدیل شده است. صیانت صحیح از این میراث، مستلزم آن است که سوسیالیسم را از یک خاطره خارج کرده و به یک نیروی اجتماعی زنده در نبض مردم تبدیل کنیم.

میراث سوسیالیستی در تاریخ باید به عنوان میراثی برای ساخت هم صلح و هم جامعه دموکراتیک در نظر گرفته شود و راه آن از انجام وظایف انترناسیونال در نظر و عمل می‌گذرد. سوسیالیست‌های تخیلی و مارکسیست‌ها اگرچه از قرن نوزدهم سیستم هژمونیک سرمایه‌داری را به طور جامع نقد کرده‌اند، اما نتوانستند خطمشی نتیجه‌بخشی را توسعه دهند. سرمایه‌داری امروز دیگر یک بحران نیست، بلکه به سطح یک بیماری تهدیدکننده گونه انسان رسیده است. انحصار خشونت در فرم دولت-ملت، در این فروپاشی تعیین‌کننده است. همان‌طور که سرمایه‌داری تنها با دلایل اقتصادی قابل توضیح نیست، شکست جریان‌های سوسیالیستی را نیز نمی‌توانیم تنها با فشار سرمایه‌داری توضیح دهیم. خطاهای تاریخی و کنونی نیز در این عقب‌گرد تعیین‌کننده هستند.

نقدهای من به مارکسیسم باید به درستی درک شود. من مارکس را متهم نمی‌کنم؛ در دوره او تاریخ مانند امروز روشن نبود، بحران اکولوژی وجود نداشت و سرمایه‌داری در دوره صعود بود. و با وجود همه این‌ها، مارکس ایدئولوژی با اعتماد به نفس بالاست که می‌تواند دیدگاه‌های خود را دائماً زیر سؤال ببرد. او آزادی زنان را می‌بیند، اما چون آن را سطحی خوانش کرده و عمق آن را درک نکرده بود، باور داشت که اگر استثمار اقتصادی رفع شود، این مسئله نیز خود به خود حل خواهد شد. تلاش او برای توضیح تاریخ اجتماعی صرفاً با طبقه و عدم تحلیل کافی دولت و دولت-ملت، نتایج سنگینی به بار آورد. هنگام طرح تمام این نقدها، می‌خواهم اضافه کنم که برای زحمات مارکس احترام زیادی قائلم، به نیت او شک ندارم و مارکسیسم را از مارکس جدا می‌بینم. ما وقتی در برخی موضوعات اساسی به نقد مارکسیسم و سوسیالیسم رئال می‌پردازیم، آنچه به عنوان یک سوسیالیست احساس می‌کنیم، انتقاد از خود است.

نیروهای ضد سیستم باید ماتریالیسم تاریخی را مطابق با واقعیت جامعه انسانی بازنگری کنند. مهم است بدانیم که سرمایه‌داری در قرن شانزدهم 'از آسمان نازل نشد'، بلکه ریشه‌های آن به تکامل تمدن ۱۰ تا ۱۲ هزار ساله در مزوپوتامیای سفلی می‌رسد. مراکزی مانند گوبکلی‌تپه و کاراهان‌تپه این آغاز تاریخی را روشن می‌کنند. به همین دلیل، توصیف سیستم تمدنی موجود به عنوان 'سیستم قاتل اجتماعی کاستیک (طبقاتی)' را صحیح‌تر می‌دانم. یافته‌های باستان‌شناسی و انسان‌شناسی نشان می‌دهد که کاست‌های شکارچی مرد، با تکنیک‌های کشتاری که توسعه دادند، جوامع کلانی زن‌محور را سرکوب و برده کردند. این ریشه‌ای‌ترین شکاف در تاریخ بشریت است. همزمان، یک ضد انقلاب بزرگ است که تمام توسعه بعدی تمدن را تعیین کرد.

تحلیل سرمایه‌داری با حرکت از رهنمود تاریخی گذشته، بسیار افق‌گشا خواهد بود. این سیستم تنها به دامن زدن به تضادهای درون جامعه بسنده نمی‌کند، بلکه با توسعه سیستم‌های تسلیحاتی شیمیایی و هسته‌ای که کل سیاره را نابود می‌کند، با آلوده کردن اقلیم و با تخریب کامل طبیعت برای غارت ثروت‌های زیرزمینی و روزمینی، پایان گونه انسان را رقم می‌زند. ارائه یک تحلیل جدید سرمایه‌داری به بشریت با پایبندی به این واقعیت، از وظایف اصلی انترناسیونال است.

باید به تاریخ ستمدیدگان با رهنمود کمون به عنوان یک تشکیلات دفاع ذاتی، پیش از طبقه نگاه کرد. برای این کار، نیاز به یک رهنمود تاریخی است که قبایل بدوی را به عنوان آغاز کمون ببیند و تا طبقه‌ای که امروزه پرولتاریا نامیده می‌شود یا تمام ستمدیدگان امتداد یابد.

بر این اساس می‌گوییم که تاریخ صرفاً عبارت از مبارزه طبقاتی نیست. اگرچه این را هم در بر می‌گیرد؛ اما صحیح‌تر است که تاریخ را به عنوان یک روند رابطه و درگیری میان توسعه کمونال و توسعه ضد کمونال که به حدود ۳۰ هزار سال پیش باز می‌گردد، بخوانیم.

باور دارم که کنفرانس شما بر اساس تحلیل‌های نظری که ارائه کردم، بحث‌های مهمی را پیش خواهد برد که به یک برنامه سیاسی و درک سازمانی جدید کمک می‌کند. روش اساسی در این فرآیند، ماتریالیسم دیالکتیک است. اما باید از برخی افراط‌های دیالکتیک کلاسیک عبور کرد. ما مجبوریم تضادها را نه به صورت قطب‌هایی که یکدیگر را نابود می‌کنند، بلکه به عنوان پدیده‌های اجتماعی که یکدیگر را تغذیه می‌کنند، ببینیم. زیرا بدون کمون، دولت؛ و بدون بورژوازی، پرولتاریا وجود نخواهد داشت. بنابراین، باید با تضاد نه با منطقی نابودکننده، بلکه با رهنمودی تاریخی و دگرگون‌کننده برخورد کرد.

پیشرفت‌های علمی نیز نشان می‌دهد که روش دیالکتیک تا زمانی که مطلق‌انگاری نشود، همچنان ابزاری مؤثر در تحلیل‌های اجتماعی است. در این چارچوب، به‌روزرسانی دیالکتیک کمون-دولت و طبقه-دولت ضروری است. شکست سوسیالیسم رئال قرن بیستم نیز ناشی از عدم خوانش صحیح این دیالکتیک تاریخی بود: سوسیالیسم دولت‌گرا در حالی که دولت را تصاحب می‌کرد، در نهایت مغلوب دولت شد. با گره زدن حق تعیین سرنوشت ملت‌ها به دولت-ملت، در مرزهای سیاست‌های بورژوایی گرفتار شد. مفهوم 'دولت-ملت پرولتری' نیز نتیجه‌ای جز بازتولید ذهنیت دولت‌گرا ایجاد نکرد. با خوانش صحیح این حقیقت، این را بیان کردم: سوسیالیسم دولت-ملت به شکست و سوسیالیسم جامعه دموکراتیک به پیروزی می‌انجامد. امروز زمان حرکت به سوی رهایی دموکراتیک بر مبنای سوسیالیسم جامعه دموکراتیک است. در این راه، با این باور پیش می‌روم که به جای دولت، با رهنمود جمهوری دموکراتیک، ملت دموکراتیک و پارادایم جامعه دموکراتیک، اکولوژیک و آزادی‌خواه زن، بازسازی را محقق خواهیم کرد.

این آگاهی، جنبش ما را به نوسازی ایدئولوژیک و سیاسی، پویایی سازمانی و مردمی‌شدن رسانده و آن را به یک برنامه سوسیالیستی که بتواند پاسخگوی نیازهای قرن باشد، مجهز کرده است. رابطه سوسیالیسم دموکراتیک با دولت نیز در روند حل و صلح، بازتعریف می‌شود. من رابطه خود با دولت را به عنوان یک رابطه دموکراتیک‌سازی تعریف می‌کنم. درک جمهوری دموکراتیک ایجاب می‌کند که دولت نه یک قدرت الهی بر فراز جامعه، بلکه ساختاری باشد که در چارچوب قرارداد دموکراتیک با جامعه عمل می‌کند. با استراتژی سیاست دموکراتیک، ایجاد تغییر و تحول در دولت و بازسازی جامعه بر مبنای دموکراتیک ممکن است.

بنیاد نهادن این استراتژی بر قانون، پایه‌پایدار صلح را تشکیل خواهد داد. قانون به عنوان تضمین و مکانیسم متعادل‌کننده رابطه دموکراتیک میان دولت و جامعه، ابزاری برای راحل است که مانع خشونت می‌شود. همزمان نقشی را بر عهده خواهد گرفت که تأسیس جمهوری دموکراتیک، مشروعیت آن و بازسازی نظم اجتماعی را نهادینه می‌کند.

در این میان، یکی از استدلال‌هایی که به عنوان استراتژی مبارزه بنیادین مطرح کردم، انتگراسیون دموکراتیک و مفهوم حقوقی آن بود. حقوق انتگراسیون دموکراتیک که در آن قانون با هنجارهای فردی و جهانی و حقوق جمعی به نفع جامعه بازسازی می‌شود، باید بر سه اصل اساسی استوار باشد:

- قانون شهروند آزاد

- قانون صلح و جامعه دموکراتیک

- قوانین آزادی

حقوق انتگراسیون دموکراتیک هم دولت را به دولت هنجار (قانون‌مند) تبدیل خواهد کرد و هم به معنای دستیابی جامعه به موجودیت خود در ساختاری نهادینه و تحقق آزادی آن خواهد بود. روند 'فراخوان صلح و جامعه دموکراتیک' که آغاز کرده‌ام، یک روند گفتگو است. در منطقه‌ای مانند خاورمیانه با اثنیسیته‌ها، ادیان و مذاهب پیچیده، چیزهای زیادی وجود دارد که با گفتگو و مذاکره دموکراتیک قابل دستیابی است. حتی مناسب می‌دانم که یک سوسیالیسم معنادار، به جای درک انقلابی پر از خشونت، خود را به عنوان یک سیستماتیک ساخت و هستی مثبت سازماندهی کند و این امر به شکل گفتگوی دموکراتیک محقق شود. دشوار است باور کنیم که سوسیالیسم بدون تکیه بر یک گفتگوی دموکراتیک جامع و عمیق ساخته شود و حتی اگر ساخته شود، پایدار بماند. لنین نیز می‌گفت: 'بدون دموکراسی جامع و توسعه‌یافته، سوسیالیسم قابل ساخت نیست.'

با این اندیشه و باور، مجدداً آرزو دارم جلسه شما با موفقیت برگزار شود و سلام‌ها و محبت‌های رفیقانه بی‌پایان خود را تقدیم می‌کنم.»

۲۰۲۵/۱۲/۰۶

عبدالله اوجالان

جزیره امرالی



عظیمه کلیچ

